بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اوّلیّه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

ماجرای فطرس ملک، چگونه با عصمت فرشتگان قابل جمع است؟ (۲)

پرسش:

آیا فقط شیطان خلاف و معصیت کرده یا نمونه‌ی دیگری نیز در ملائکه داریم؟ مثلاً فطرس.

پاسخ:

قرآن می‌فرماید شیطان جن بوده و ماجرای فطرس را هم جلسه‌ی قبل توضیح دادم. ملائکه معصیت عملی نمی‌کنند؛ **لا يَعْصُونَ اللهَ ما أَمَرَهُمْ**،[1] امّا یک معصیت‌های دیگری هست که اسمش معصیت عملی نیست. خدا رحمت کند حاج‌آقای دولابی را، جمله‌ای می‌گفتند که آن را در هیچ حدیث و روایتی پیدا نکردم، ایشان می‌فرمودند: **لا عُصْيانَ كَالْعَجْزِ**: هیچ معصیتی به پای عجز نمی‌رسد؛ اینکه انسان از ادای حقّ طرف مقابل عاجز است و خود را گناهکار می‌داند. دقّت می‌کنید! [مانند زمانی که] یک شخصیّت عظیم‌القدر به منزلتان بیاید؛ امّا نتوانید حقّ پذیرایی او را ادا کنید. واقعاً چیزی کم نگذاشتید و هر آنچه در زندگی شما بوده برای پذیرایی کردن آورده‌اید؛ ولی می‌بینید حقّ او ادا نشد؛ او کجا و این کاری که شما کردید کجا! این عجز شما سبب می‌شود که خودتان را معصیت‌کار بدانید، گناهکار و تقصیرکار بدانید و شرمنده باشید که نتوانستید حقّ طرف را ادا کنید.

---

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶.

بنابراین همه‌ی معصیت‌ها معصیت عملی نیست؛ آن چیزی که در مورد ملائکه نفی شده، معصیت عملی است؛

وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ:[۲] آن چیزی را که به آن امر شدند انجام می‌دهند؛ **لا يَعْصُونَ اللهَ ما أَمَرَهُمْ:** آن چیزی را که به آنها امر شده عصیان نمی‌کنند؛ پس بحث امر و نهی است؛ بحث عمل است؛ در فصل توبه‌ی کتاب *شراب طهور* عرض کرده‌ام چه مراتبی [برای معصیت] وجود دارد. همه‌ی معصیت‌ها این نیست که من عرق بخورم، شراب بخورم، دزدی کنم، آدم بکشم؛ معصومین علیهم‌السلام به‌راستی [خودشان را معصیت‌کار می‌دانستند !] بازی در نمی‌آوردند؛ ادا در نمی‌آورند؛ کارهایی نکردند که فقط به ما یاد بدهند؛ به‌راستی گریه می‌کردند و خودشان را معصیت‌کار می‌دانستند.

در عبارتی از صحیفه‌ی سجّادیّه امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند: خدایا اگر آن‌قدر گریه کنم که پلک‌های چشمم کنده شود، صدایم قطع شود و سرم را تا هستم از شرمندگی به بالا بلند نکنم، استحقاق بخشیده شدن کوچکترین گناه خودم را ندارم! مگر العیاذ بالله امام سجّاد علیه‌السلام گناه کرده‌اند؟ دروغ گفته‌اند؟ غیبت کرده‌اند؟ مال مردم خورده‌اند؟ ظلم کرده‌اند؟ امام معصوم؟! این چه گناهی است که این‌طور می‌فرمایند؟ پس معصیت به این رفتارهایی که ما به‌عنوان گناه می‌شناسیم محدود نیست و افق‌های بلندتری هست.

جلسه‌ی قبل عرض کردم : **وُجُودَکَ ذَنْبٌ لا يُقاسُ بِهِ ذَنْبٌ:**[۳] احساس وجودی که می‌کنی گناهی است که هیچ گناهی در عظمت به پای آن نمی‌رسد. این حرف یعنی چه؟ فهمیدنش خیلی توضیح می‌خواهد؛ امّا بالاخره بدانیم معصیت به این چیزهایی که در ذهن متداول بشری ما جاری است که نمازم را

---

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶.

۳. از جملات عارفان: فیض‌کاشانی، وافی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ صدرالدّین‌شیرازی، شرح‌اصول‌الکافی، ج ۱، ص ۳۸۹ و بهایی، منهاج‌النّهاج، مقدّمه۲، ص ۶۳.

نخواندم، خمسم را ندادم و یا مال مردم خوردم، [محدود نمی‌شود.] همه‌ی اینها معصیت و گناه بزرگی است؛ ولی بزرگتر از این گناهان، گناهانی است که کسانی که به آن مدارج معرفت می‌رسند می‌گویند [این گناهان شما که چیزی نیست!] این مثال را از حاج‌آقای دولابی بزنم که می‌فرمودند: یک تاجر خیلی گردن‌کلفت ورشکست شد و میلیاردها، تریلیاردها بدهی بالا آورد [و او را به] زندان انداختند. در زندان دید عدّه‌ای دیگر هم زندانی شده‌اند؛ از آنها پرسید شما برای چه زندانی هستید؟ گفتند ما هم بدهکاریم و نتوانستیم بدهیمان را بپردازیم. از اوّلی پرسید چقدر بدهکار بودی؟ گفت مثلاً من یک میلیون تومان بدهکارم، [تاجر] گفت برای یک میلیون تو را به زندان انداخته‌اند؟! از دومی پرسید، گفت مثلاً من دو میلیون تومان، دیگری ده میلیون تومان، آن دیگری صد میلیون تومان. [تاجر] دید کلّ بدهی اینها می‌شود پانصد یا ششصد میلیون تومان، از همان زندان زنگ زد به یکی از رفقایش، با وجود اینکه ورشکست شده بوده ولی بالاخره فرد معتبری بوده، [و به رفیق خود] گفت: پانصد، ششصد میلیون تومان به حساب طلبکارهای [هم‌بند من] بریزید و اینها را آزاد کنید، دون شأن من است که در زندان کنار اینها باشم، من صدها میلیارد بدهی دارم!

کسی که اهل معرفت است خودش را صدها میلیارد بدهکار می‌داند و از گریه و توبه‌ی کسانی که خودشان را به‌خاطر گناه‌های عملی و امثال اینها گناهکار می‌دانند خنده‌اش می‌گیرد؛ می‌گوید شماها چه می‌دانید گناه یعنی چه؟!

لذا در همین دعاهای ماه رجب از خدا می‌خواهیم گناهانی را ببخشد که لا أَعْلَمُ،[۴] خـدایا آن گناهـانی که من نمی‌دانم، آنها را ببخش! گناهانی که می‌دانم، مال مردم نخورم، مردم‌آزاری نکنم، دروغ نگـویم، غیبت نکنم، شراب نخورم، زنا نکنم، اینها را که می‌دانم، خدایا آن گناهانی را که من نمی‌دانم ببخش!

پس یک گناهانی وجود دارد که ما نمی‌دانیم و اولیاء خدا از آنها خبر دارند و در واقع برای آنهـا خـائف هستند. البتّه همه‌ی خوف، خوف از معصیت نیست؛ ولی خواستم بگویم حتّـی خـوف از معصـیت هـم فقط این بدهی‌های کوچک ما زندانی‌هـای عـالم طبیعـت نیسـت. آنهـا خودشـان را در دسـتگاه خـدا تریلیاردی بدهکار می‌دانند و ما خودمان را یک میلیون تومان، پنج میلیون تومـان بـدهکار مـی‌دانـیم؛ خودمان را در دستگاه خدا این‌قدر مجرم می‌دانیم؛ لذا فرمودند: اَخوَفُکُم لِرَبه اَعرَفُکُم بِرَبه:[۵] هر چقدر که معرفت شما به پروردگارتان بیشتر شود خوفتان هم بیشتر می‌شود.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

۴. از دعاهای ماه مبارک رمضان: أَسْأَلُکَ ... وَ الْعِصْمَةَ لِی مِنْ أَنْ أَعْصِیَ وَ أَنَا أَعْلَمُ أَوْ أُخْطِئَ مِنْ حَیْثُ لا أَعْلَمُ: طوسی، محمّدبن‌الحسن، تهذیب، ج ۳، ص ۸۲؛ سیّدبن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۱ و کفعمی، مصباح، ص ۵۷۰.

۵. منابع برای حدیث مشابه أَخْوَفُکُمْ أَعْرَفُکُمْ؛ عبارت است از: لیثی‌واسطی، عیون‌الحکم، ص ۱۱۳ و تمیمی‌آمدی، غررالحکم، ص ۱۸۵.